فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاهم، بهار ۱۴۰۴- صفحات ۳۴۱-۳۱۷

طراحی الگوی ساختاری- فرآیندی تمایلات سرمایه‌گذاران در صنعت بیمه با تأکید بر عوامل روانشناختی با رویکرد داده بنیاد

نوع مقاله: پژوهشی

یعقوب همتی[۱]
مهدی خادمی گراشی[۲]
غلامرضا دقیقی اصل[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۱

چکیده

رونق بازارهای مالی، به خصوص صنعت بیمه نقش بسزایی در شریان‌های اقتصادی کشور دارد. افزایش تمایلات سرمایه گذاران و ایجاد اطمینان در بازارهای مالی و افزایش اعتماد مشارکت کنندگان این بازار از طریق فراهم کردن محیطی با ثبات، برای فعالیت آنها و حمایت از آنها در مقابل خطرات مختلف موجود در بازار، از مسائل اساسی بورس‌های اوراق بهادار است که در جلب مشارکت مردم و توسعه سرمایه گذاری بازارهای اوراق بهادار نقشی چشمگیر دارد. از این رو تحقیق حاضر به طراحی الگوی ساختاری- فرآیندی تمایلات سرمایه‌گذاران در صنعت بیمه با تأکید بر عوامل روانشناختی با رویکرد داده بنیاد پرداخته شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته می‌باشد که در آن از دو رویکرد مورد استفاده در علوم رفتاری یعنی کمی و کیفی استفاده می شود. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه متخصصین و فعالان در صنعت بازاریابی هستند. روش و حجم نمونه در تعیین درجه مناسب مدل پیشنهادی نیز بصورت روش نمونه گیری در دسترس به تعداد ۱۹ نفر از صاحب نظران و خبرگان انجام می‌شود. در بخش آمار توصیفی گزارش اعضای نمونه تحقیق شامل جنسیت، سابقه خدمت و میزان تحصیلات می‌باشد که بر اساس جدول و نمودار ارائه شده است. همچنین در بخش آمار

۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد و مدیریت، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Yfhm4574351@gmail.com

۲ دانشیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.(نویسنده مسئول) Mehdikhademi@gmail.com

۳ استادیار گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. daghighasli@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

استنباطی نتایج نشان می‌دهد که بر الگوی ساختاری- فرآیندی تمایلات سرمایه‌گذاران در صنعت بیمه با تأکید بر عوامل روانشناختی در قالب عوامل ادراکی، اقتصادی، عاطفی و عوامل کنترلی ارائه شده است.

کلمات کلیدی: الگوی ساختاری- فرآیندی، تمایلات سرمایه‌گذاران، عوامل روانشناختی
طبقه بندی JEL: L16, K41, D91

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

مقدمه و بیان مساله

تاثیر صنعت بیمه بر اقتصاد کلان در کشورها انکارناپذیر است. برای تحول و توسعه اقتصادی و زمینه‌سازی برای فعالیت مردم و واگذاری کارهای مردم به خودشان، یکی از زمینه‌هایی که باید فراهم شود به طور یقین امنیت است؛ امنیت قضایی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و... شکی نیست که صنعت بیمه می‌تواند مهم‌ترین امنیت، یعنی امنیت اقتصادی را فراهم آورد و از این رو بستر مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی مردم مهیا کند. در مورد نقش بیمه و تاثیر آن بر اقتصاد، رفاه و بهبود وضع آحاد جامعه یقینا تردیدی نیست و همان‌طور که می‌دانید، ارتباط تنگاتنگی بین رشد و توسعه اقتصادی و گسترش فعالیت در صنعت بیمه وجود دارد. بخش‌های مختلف اقتصادی با تاثیر متقابل، در رشد و توسعه موثرند. در این میان، بخش بیمه با ارائه خدمات و ارتباط منطقی بیشتر با سایر بخش‌ها، از راه گردآوری حق بیمه‌های اندک از گروه‌های مختلف اقتصادی و پرداخت به موقع خسارت می‌تواند از زندگی اجتماعی و اقتصادی انسان‌ها حفاظت کند، صنعت بیمه همچنین با ایجاد آسایش خاطر نزد کارآفرینان و صاحبان صنعت و کسب و پیشه می‌تواند در افزایش تولید، کاهش واردات از بازارهای جهانی و گسستن بندهای وابستگی، نقش بسیار موثری در توسعه اقتصادی ایفا کند (رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۹).

بنابراین از یک سو بیمه با هموار کردن راه سرمایه‌گذاری، کاهش ریسک در سرمایه‌گذاری و شرکت در سرمایه‌گذاری از محل ذخیره‌های فنی باعث افزایش بهره‌وری در دیگر بخش‌های اقتصادی می‌شود و از دیگر سو، رشد و توسعه دیگر بخش‌های اقتصادی نیز موجبات تقویت و توسعه صنعت بیمه را فراهم می‌سازد. نتایج تحقیقات انجام شده در حوزه ی تأمین مالی بر اساس رویکرد رفتاری، حاکی از آن است که ممکن است سرمایه گذاران، غیر منطقی باشند؛ در نتیجه، سوگیری شناختی یا عوامل روانی سرمایه گذاران، می تواند بر روی تصمیمات آنان، تأثیرگذار باشد. بنابراین، نوسان قیمت سهام، نه تنها به ارزش ذاتی نشان داده شده توسط اطلاعات حسابداری وابسته است، بلکه بر رفتار غیر منطقی سرمایه گذاران نیز متکی می باشد، که می تواند با تمایلات سرمایه گذار، سنجیده شود (میشل و همکاران، ۲۰۲۰).

رونق بازارهای مالی، به خصوص صنعت بیمه نقش بسزایی در شریان‌های اقتصادی کشور دارد. افزایش تمایلات سرمایه گذاران و ایجاد اطمینان در بازارهای مالی و افزایش اعتماد مشارکت کنندگان این بازار از طریق فراهم کردن محیطی با ثبات، برای فعالیت آنها و حمایت از آنها در مقابل خطرات مختلف موجود در بازار، از مسائل اساسی بورس‌های اوراق بهادار است که در جلب مشارکت مردم و توسعه سرمایه گذاری بازارهای اوراق بهادار نقشی چشمگیر دارد. اگر چه ابزارهای متعددی به منظور کاهش خطرات شناخته شده و قابل پیش‌بینی موجود در بازار ایجاد شده و مورد استفاده قرار گرفته

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

است، لیکن گاهی مشارکت کنندگان در بازار با خطرات و مشکلاتی در بازار اوراق بهادار مواجه‌اند که قادر به پیش‌بینی، جلوگیری یا کاهش زیان ناشی از آنها نیستند. طی چندین دهه، عقلانیت کامل سرمایه گذاران مساله اصلی بسیاری از تحقیقات دانشگاهی به شمار می‌رفت. در نظریات کلاسیک، رفتار سرمایه گذاران در بازار سرمایه بر مبنای نظریه مطلوبیت اقتصادی تفسیر می‌شد (تالر و همکاران، ۲۰۱۹). از طرفی سیر تحول تئوری‌های مالی و سرمایه گذاری به زعم اندیشمندانی چون رابرت هاگن به سمتی است که پارادایم حاکم را مالی نوین دانسته و ناکارایی بازار را ناشی از رفتارهای غیر عقلایی سرمایه گذاران بیان می‌کنند، که در واقع همان مالی و سرمایه گذار ی رفتاری می باشد. لذا بر خلاف پارادایم رایج در نظریه کلاسیک مالی، که بیان می کند تصمیم گیرندگان دارای رفتار کاملا عقلایی بوده و در پی حداکثرسازی منفعت خود هستند، مطالعات صورت پذیرفته در حوزه مالی رفتاری نشان میدهند تصمیم گیری انسانی یک فرایند کاملاً عقلایی و با توجه به تمامی اطلاعات نیست، بلکه تصمیم گیرنده میانبرهای ذهنی را در این فرآیند به کار می گیرد که ممکن است به تصمیماتی غیر بهینه نیز منجر شود و این مسئله اهمیت پژوهش دراین خصوص را بیشتر و بیشتر می نماید. مرور مطالعات نشان می دهد که عوامل گوناگونی در ادراک تصمیمات سرمایه گذاران دخیلند. که از آن جمله میتوان عوامل فردی، سیاسی اقتصادی را نام برد که می توان به دو دسته رفتاری و اقتصادی دسته بندی نمود؛ که البته عوامل اقتصادی خود موثر بر عوامل رفتاری می‌باشند.

عوامل روانشناختی می‌تواند تصمیمات سرمایه‌گذار و نهایتا عملکرد بازارهای مالی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. مالی رفتاری متوجه صحه‌گذاری تجربی فرضیات نئوکلاسیک درباره رفتار بشر است و جایی که عدم صحت آنها تایید شود، به کشف قوانین تجربی که رفتار را به درستی تشریح می کند، می‌پردازد و از همان دقت برخوردار است. مالی رفتاری همچنین متوجه تنظیم و طرح مفاهیمی برای عملیات سیستم اقتصادی و نهادهای آن است و برای تعیین خط مشی کلی، از مقاصد رفتار واقعی برآمده از فرضیات نئوکلاسیک در صنعت بیمه ایران بهره می‌گیرد. لذا این سوال مطرح می شود که عوامل موثر بر تمایلات سرمایه گذاران در صنعت بیمه چیست؟ از این رو تحقیق حاضر به طراحی الگوی ساختاری فرآیندی تمایلات سرمایه‌گذاران در صنعت بیمه با تأکید بر عوامل روانشناختی با رویکرد داده بنیاد می‌پردازد.

۱- ادبیات و پیشینه تحقیق

در ادبیات اقتصاد غرب، ماهیت وجودی انسان‌ها به عنوان موجودی منطقی که تحت شرایط کاملاً شفاف تصمیم‌گیری می‌کند، تعریف می‌شود. این موجود کامل که اغلب از آن به عنوان انسان اقتصادی یاد می‌شود، همواره در بهینه سازی منافع دلخواهش کامیاب است و تمام اطلاعاتی را که بر گزینه‌ها

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

و تصمیماتش تأثیر دارند، جمع آوری می کند و موقعیتی آرمانی را که مطمئناً در دنیای واقعی بسیاری از سرمایه‌گذاران یافت نمی‌شود خلق می‌کند (فرام لت[1]، ۲۰۱۶). اساس اغلب نظریه‌های مالی مدرن برپایهٔ دو فرض بنیادی عقلایی بودن سرمایه گذاران و کارایی بازارهاست، اما در سه دههٔ اخیر پژوهشگران مالی رفتاری با مطالعهٔ هم زمان رفتارشناسی، روان شناسی، جامعه شناسی، الگوهای تصمیم‌گیری و مدل‌های رفتاری نظریه های خود را بر پایهٔ فرضیه هایی در تقابل با فرضیه های بنیادی مالی مدرن بنا نهادند. این مطالعات نشان داده است که مالی مدرن به تنهایی نمی‌تواند پاسخ گوی برخی پدیده‌ها در بازارهای مالی باشد، لذا طرفداران مالی رفتاری اعتقاد راسخی دارند که آگاهی از جنبه های رفتاری و روان شناسی سرمایه‌گذاران، همچنین شناخت الگوهای تصمیم-گیری، مدل‌های رفتاری و جامعه شناسی امری ضروری در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری است (نظری و همکاران، ۱۳۹۳).

هدف مالی رفتاری، پرداختن به ناکارآمدی بازار و محدودیت‌های نظریه‌های رایج از طریق ارایه پارادایم دیگری است که «تعصبات شخصی و نا معقول بودن نسبی رفتار» را تایید می‌کند، و از نظریه‌های روانشناسی موجود برای ایجاد تئوری های واقعی‌تر و مدل‌های مبتنی بر جنبه‌های مرتبط با فرآیند تصمیم‌گیری افراد در اقتصاد و بازارهای مالی استفاده می‌کند (هاگسترام[2]، ۲۰۱۷).

مالیه رفتاری را می‌توان به دو حوزه اصلی مالی رفتاری تقسیم کرد که شامل رفتارهای سرمایه گذاران انفرادی و تعصبات رفتاری[3] را بررسی می‌کند، و تامین مالی رفتاری که ناهنجاری‌های موجود را بررسی می‌کند (پمپیون[4]، ۲۰۱۲).از سوی دیگر، استانماریا و ایگول[5] (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که مالیه رفتاری فاقد یک چارچوب نظری یکپارچه است، از این رو، آن‌ها یک نقشه مفهومی را در این زمینه، براساس بازبینی و ترکیب دانش موجود ارایه کرده اند. این نقشه مفهومی، تصویری شهودی از چارچوب روان‌شناختی برای رفتار غیر منطقی سرمایه‌گذارن ارایه می‌دهد.این چارچوب، ادبیات موجود را به سه بعد اصلی از ترجیحات غیرمتعارف، سازماندهی می‌کند که منجر به ایجاد چشم انداز تئوری می گردد (زکریا و کلارین[6]، ۲۰۱۸).

گادوین و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی رابطه هوش معنوی با تورش‌های رفتاری در سرمایه‌گذاران در لندن پرداختند. ایشان بیان داشتند که تورش‌های رفتاری عبارتند ازخطاهایی که بعضا سرمایه‌گذاران دچار آن‌ها می‌شوند و در فعالیت سرمایه‌گذاری متحمل زیان های ناخواسته

---

1 .Fromelt
1-hagstrom
3- biases
4- Pompian
5- Igual و Santamaria
6- Zekria and Clarin

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

می‌گردند. یکی از حوزه‌هایی که مورد توجه بسیاری از اندیشمندان علم اقتصاد قرار گرفته است دانش مالی رفتاری است. دانش مالی رفتاری که خود تلفیقی از علم روانشناسی و اقتصاد می باشد از ابعاد مختلف، رفتار سرمایه‌گذاران را مورد مطالعه قرار داده است. یکی از مطالعات انجام شده سوگیری‌های رفتاری یا همان تورش‌های شناختی و احساسی سرمایه‌گذاران می‌باشد که در این پژوهش نیز به آن پرداخته شده است. روش پژوهش پیش رو از نوع توصیفی، همبستگی وپیمایشی انتخاب شده است و جامعه آماری تحقیق، سرمایه گذاران بورس لندن می باشد که با شیوه غیرتصادفی(دردسترس)، تعداد ۴۸۳ نفر به عنوان جامعه مورد هدف انتخاب شده اند و ابزار تحقیق نیز پرسشنامه می باشد. سرانجام نتیجه پژوهش، بدین صورت حاصل شده است که بین هوش معنوی و سوگیری‌هایی مانند خودکنترلی،زیان گریزی، پشیمان گریزی، داشته بیش نگری رابطه معنادار وجود داشته ولی بین هوش معنوی و تورش های رفتاری دگرگون گریزی و بهینه بینی رابطه معناداری وجود ندارد.

خیمن و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر خطاها و تورش های رفتاری بر برنامه-ریزی‌های مرتبط پرداختند. ایشان بیان داشتند که یکی از موضوع های مورد بحث در مالی رفتاری خطاهای ادراکی و تورش های رفتاری است. خطای ادراکی، یک رفتار حسی یا ادراکی نادرست است که آنچه را میبینیم یا میشنویم با موقعیت واقعی معین و مشخص مطابقت نمی کند. مدیریت و برنامه ریزی مناسب برای سرمایه در گردش نیز از موضوع‌های مهم در هر سازمان به شمار میرود. هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین خطاهای رفتاری و برنامه ریزی‌های مرتبط با سرمایه در گردش در مدیران صنعتی است. مطالعه پیشرو از نوع پیمایشی-کاربردی است. بررسی موضوع از طریق پرسشنامه و نمونه گیری، از ۱۲۶ نفر از مدیران صنعتی صورت گرفت. برای تحلیل نتایج در قالب ۷ فرضیه اصلی و ۲۱ فرعیه فرعی از روش معادلات ساختاری توسط نرم افزار Smart PLS استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین کلیه خطاهای رفتاری و اجزای برنامه ریزی های مرتبط با سرمایه در گردش به جز تاثیر بیش اطمینانی بر مدیریت موجودی کالا، تاثیر خطای دسترسی بر مدیریت وجوه نقد و تاثیر خطای تصادفی بودن بر اجزای مدیریت سرمایه در گردش رابطه مثبت و معنادار برقرار است.

میگل و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تاثیر سواد مالی بر تورش‌های رفتاری سرمایه گذاران پرداختند. ایشان پس از گردآوری اطلاعات از طریق توزیع پرسشنامه‌های استاندارد بین المللی (پس از بومی سازی با شرایط داخل کشور) در بین سرمایه‌گذاران بورس نیویورک و جمع آوری پاسخ های آن و محاسبه متغیرهای تحقیق با استفاده از روش آماری رگرسیون چندگانه به تجزیه وتحلیل داده ها به کمک نرم افزار spss، مدل آماری مناسب ارائه شده است. در معدود تحقیقات انجام شده سعی شده است فقط مدلی جهت سنجش میزان سواد مالی در بین سرمایه‌گذاران ارائه شود و برای اولین بار در داخل ایران و در این تحقیق سعی خواهد شد که علاوه بر ارائه مدلی مناسب جهت سنجش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

میزان سواد مالی در بین سرمایه گذاران بورس نیویورک، رابطه بین میزان سواد مالی و تورش‌های رفتاری سرمایه گذاران نیز بررسی شود. نتایج تجزیه وتحلیل داده‌ها حاکی از این است که بین میزان سواد مالی سرمایه گذاران و تورش‌های رفتاری آن ها رابطه معناداری در جهت مثبت وجود دارد.

زمانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تورش‌های رفتاری سهامداران عمده نهادی در بورس اوراق بهادار تهران ازدیدگاه مالی رفتاری پرداختند. ایشان بیان داشتند که بر مبنای نظریات دانشمندان مالی رفتاری ویژگی های شخصیتی، ساختار اطلاعات و تمامی مواردی که بر تصمیم گیری های سهامداران تاثیر می‌گذارد، به صورت کلان بر ناهنجاری‌های بازار تاثیر گذار خواهد بود. تاکنون تحقیقات زیادی در مورد تاثیر تورش‌های رفتاری بر تصمیم‌های سهامداران در مورد خرید و فروش سهام‌ها در ایران و خارج از ایران انجام شده است. در ایران بیشتر این مطالعات بر روی سرمایه‌گذاران فردی در بازار بورس و اوراق بهادار انجام شده است. صندوق‌های سرمایه‌گذاری، نهاد-های مالی هستند که با جذب سرمایه سرمایه‌داران خرد و تجمیع آنها در قالب یک سرمایه کلان به سرمایه‌گذاری در موقعیت‌های مختلف بازار سرمایه می پردازد. اشراف بر تورش‌های رفتاری باعث می شود تا سرمایه گذاران با آگاهی بیشتری فرآیند تصمیم گیری خود را بررسی نمایند و در صورت مواجهه با تورش های گفته شده بتوانند به خوبی واکنش نشان داده و از انحراف در تصمیم‌گیری جلوگیری نمایند. در این پژوهش با استفاده از مبانی نظری، تعداد ۶ تورش رفتاری مشتمل بر زیان گریزی، فرا اعتمادی، شهود نمایندگی، خوداستادی، اثر مالکیت و بوم گرایی در بین مدیران صندوق های سرمایه گذاری، از طریق مطالعه مبانی نظری شناسایی و استخراج و تشریح گردیده است.

مرادی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل گر تورش های رفتاری بر رابطه بین ویژگی‌های فردی مدیران مالی و مشخصات شرکت ها با عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. ایشان بیان داشتند که تورش های رفتاری می توانند در فرایند تصمیم گیری مدیران اختلال ایجاد کرده و به نتایجی پایین تر از سطح بهینه منجر شوند لذا در این مطالعه به بررسی تاثیر ویژگی های فردی مدیران مالی و مشخصات شرکت‌ها بر عملکرد مالی شرکت-های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق نقش تعدیل گر تورش های رفتاری پرداخته شد. برای این منظور، جامعه آماری مشتمل بر مدیران مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و جهت تعیین حجم نمونه و روش نمونه گیری به ترتیب از فرمول کوکران (۴۲۱ نفر) و روش در دسترس استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها نیز از مدل معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شد. نتایج نشان داد که: الف) «ویژگی های فردی مدیران مالی» از تاثیر معنادار مثبتی بر عملکرد مالی شرکت های مورد بررسی برخوردار می باشد. ب) «مشخصات شرکت ها» از تاثیر معنادار مثبتی بر عملکرد مالی شرکت های مورد بررسی برخوردار

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

می باشد. ج) با وارد کردن «تورش های رفتاری» به عنوان متغیر تعدیل گر از شدت تاثیر مثبت ویژگی های فردی مدیران و مشخصات شرکت ها بر عملکرد مالی شرکت های مورد بررسی کاسته می‌شود. در نهایت، باتوجه به تاثیر معنادار و معکوس تورش های رفتاری مدیران مالی بر عملکرد مالی شرکت ها، به مدیران مالی پیشنهاد شد تورش های رفتاری خود را از طریق مشاوره با خبرگان و همچنین، شرکت در دوره های آموزشی کوتاه و بلندمدت تعدیل کنند.

گلستانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین شخصیت سرمایه گذاری و تورش های رفتاری بر اساس نظریه پمپین پرداختند. دراین پژوهش پرسشنامه پمپین جهت شناخت تورش ها و شخصیت سرمایه گذاران ازطریق نسخه های چاپی و یک نرم افزار تحت وب با سی شارپ یک نرم افزار تحت ویندوز با VB.NET و همچنین گوگل فرم در اختیار افراد قرار گرفته است. نرم افزارهای طراحی شده علاوه بر جمع آوری اطلاعات و بررسی و تحلیل برای این پژوهش می توانند جهت تسهیل در شناخت تورش ها با استفاده از مشخص شدن نوع شخصیت سرمایه گذار در کارگزاری ها مورد استفاده مشاوران و سرمایه گذاران قرار گیرد. با توجه به پژوهش انجام شده نظرات پمپین در مورد ارتباط برون افکنان با رویداد گرایی و دگرگون گریزی و پشیمان گریزی کوتاه نگری و سازگار گرایی مورد تایید قرار گرفت و ارتباط با داشته بیش نگری و زیان گریزی رد شد.ارتباط بین شکل گرایان با دیرپذیری، شکل گرایی و اتکا پذیری مورد تایید قرار گرفت و ارتباط با ابهام گریزی و اجتناب انگاری رد شد.ارتباط بین آرمان گرایان با تمام موارد شامل : نما گرایی، تازه گرایی، باور گرایی، توان پنداری، خود اسنادی، آشنا گرایی، بهینه بینی و فرا اعتمادی مورد تایید قرار گرفت.

۲- روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته می‌باشد که در آن از دو رویکرد مورد استفاده در علوم رفتاری یعنی کمی و کیفی استفاده می شود. روش تحقیق آمیخته نوعی روش تحقیق می باشد که در آن محقق، عناصر رویکردهای کمی و کیفی را به منظور آشکار ساختن موارد موجود در امر پژوهش و درک عمیق پدیده ها با یکدیگر ترکیب می کند. منظور از پژوهش کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های کمی کسب شده‌اند. بعضی داده‌ها ممکن است به شیوه آماری کمی شده باشند، اما تجزیه و تحلیل به شکل کیفی باشد. این روش پژوهش اغلب از تبیین استقرایی بهره می‌جوید. در هر دو رویکرد، باید داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده از هر مشارکت‌کننده ثبت شود. با این حال، پژوهشگر در رویکرد کیفی به جای استفاده از یک ابزار واحد، بیشتر از پروتکل‌هایی برای سازماندهی اطلاعات هر مشارکت‌کننده استفاده می‌کند. در پژوهش کیفی گردآوری داده و تجزیه و تحلیل داده‌ها گامی گسسته محسوب نمی‌شود. جامعه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

آماری این تحقیق عبارت است از کلیه متخصصین و فعالان در صنعت بازاریابی هستند. روش و حجم نمونه در تعیین درجه مناسب مدل پیشنهادی نیز بصورت روش نمونه گیری در دسترس به تعداد ۱۹ نفر از صاحب نظران و خبرگان انجام می‌شود. در این تحقیق ابتدا داده‌های مورد نیاز به روش تحلیل اسنادی جمع آوری خواهد شد. سپس به منظور بررسی دیدگاه متخصصان، صاحب نظران، مدیران و اساتید از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده می‌شود و جهت رسیدن به مدل نهایی از آزمون دلفی استفاده می‌شود. روش دلفی یکی از متدهای جمع آوری اطلاعات است. این روش حالتی پیش بینی گونه دارد. به بیانی روش دلفی برای تحقیقاتی به کار گرفته می‌شود که اطلاعات دقیق در حوزه مبانی اصلی تحقیق موجود نباشد. بنابراین از عده‌ای خبره در زمینه مساله و تحقیق خود استفاده کرده تا به اجماع و نتیجه گیری نهایی برسیم. این روش شامل مراحل متعددی است و صحت اطلاعات نهایی در این شیوه کاملا به میزان تسلط خبرگان بر موضوع مساله و تحقیق وابسته است.

۳- نتایج تحقیق

۳-۱- تحلیل عوامل با نظریه داده بنیاد

گراندد تئوری[1] یا نظریه داده بنیاد یک روش تحقیق کیفی است که برای نظریه‌پردازی پیرامون پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود. این روش زمانی استفاده می‌شود که ادبیات پژوهش پیرامون موضوع از غنای لازم برخوردار نباشد. همچنین هدف ارائه یک نظریه جدید است که تاکنون در جوامع پژوهشی مطرح نشده است. نظریه داده بنیاد یکی از استراتژی‌های پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه پردازی بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌های موجود در زمینه، شکل می‌گیرد. این گونه نظریه پردازی مبتنی بر استعاره کولاژ و همانند مدل سطل زباله تصمیم‌گیری می‌باشد که از تلاقی تصادفی اجزاء و البته با هنرنمایی نظریه پرداز ترکیبی نو، بدیع و جذاب خلق می‌شود. به عبارت دیگر، نظریه پرداز زمینه بنیان در زمینی متشکل از داده‌های پراکنده متعدد و متنوع سیر نموده و به منظور دستیابی به نظریه‌ای نو با هنرنمایی آن‌ها را ترکیب می‌نماید. خلاقیت یکی از اجزای مهم نظریه پردازی زمینه بنیان است. رویه‌های این روش پژوهشگر را مجبور می‌سازد که پیش‌فرض‌ها را درهم شکسته و از عناصر قدیمی نظمی نو بیافریند. استراتژی نظریه داده بنیاد زمینه بنیان از نوعی رویکرد استقرایی بهره می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این استراتژی حرکت از جزء به کل است. این روش یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره

[1] Grounded Theory

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

پدیده مورد نظر ایجاد کند. یافته‌های تحقیق دربرگیرنده تنظیم نظری واقعیت تحت بررسی است نه یک سلسله ارقام یا مجموعه‌ای از مطالب که به یکدیگر وصل شده باشند. در پژوهش نظریه پردازی زمینه بنیان، نظریه مورد نظر یک نظریه فراگردی است. اگر چه نظریه پردازان زمینه بنیان ممکن است یک تک ایده مثلاً مهارت‌های رهبری را هم مورد تحقیق قرار دهند ولی آن‌ها اغلب یک فراگرد را بررسی می‌کنند. زیرا درک جهان اجتماعی مستلزم این است که افراد با یکدیگر تعامل داشته باشند. در نظریه پردازی زمینه بنیان، یک فراگرد، زنجیره‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها بین افراد و وقایع مربوط به یک موضوع است. داده‌هایی که توسط نظریه پرداز زمینه بنیان برای تشریح فراگردها گردآوری می‌شود شامل انواع مختلفی از داده‌های کیفی است نظیر مشاهده، گفت و شنودها، مصاحبه، اسناد و مدارک، خاطرات پاسخ‌دهندگان و تأملات شخصی خود پژوهشگر. نظریه پردازی زمینه بنیان از فراگردی استفاده می‌کند که مستلزم گردآوری و تحلیل همزمان و زنجیره‌وار داده‌ها است. در این استراتژی پژوهشی، از نمونه برداری نظری استفاده می‌شود. نمونه‌برداری نظری، فراگرد جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که بدان وسیله تحلیل‌گر به طور همزمان داده‌هایش را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آن‌ها را پیدا کند.

پژوهش گراندد تئوری با هدف درک و تبیین رفتارهای انسان انجام می‌شود. در این رویکرد برای ایجاد تئوری، داده‌ها از طریق یک فرآیند جمع‌آوری و تحلیل منظم، جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. در حقیقت گراندد تئوری رفتار تحت مطالعه را توصیف و تبیین می‌کند و یک روش‌شناسی برای توسعه نظریه نهفته در داده‌هایی است که به‌طور سیستماتیک جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند. این رویکرد ریشه در تعامل‌گرایی نمادین دارد. در تحقیق گراندد تئوری مبتنی بر تعامل‌گرایی نمادین، هدف این است که درک شود چه معانی نمادین در شیوه کار، لباس پوشیدن، رفتارهای غیرکلامی و گفتمان افراد هنگام تعامل با یکدیگر مطرح می‌باشد. در واقع گراندد تئوری تعامل‌ها، نمادها و چگونگی تغییرات در موقعیت‌های خاصّ را مطالعه می‌کند. از نظر مک کریدی و پین[1] (۲۰۱۰) تغییرات در تجارب افراد ریشه دارند و بر آن بنا شدند. در این رویکرد، معانی از طریق کلام و نمادها مورد مذاکره قرار می‌گیرد و متعاقب این امر تفسیر هر فرد را از آن نمادها تعدیل می‌شود. تفکر در ارتباط با خود و این‌که دیگران چگونه فرد را می‌بینند، هسته مرکزی برای چگونگی تفسیر و تعدیل نمادها می‌باشد. اصول گراندد تئوری توسط چارچوب تئوریکی تعامل‌گرایی نمادین راهنمایی و هدایت می‌شود. برای بررسی دنیای اجتماعی و فرایندهای موجود در آن، باید بتوان ارتباط و پیوند صریح بین تعامل‌گرایی نمادین با اجزای گراندد تئوری توصیف نمود. مطابق با نظر بلومر، ویژگی روش‌شناختی تعامل‌گرایی

1- McCreaddie & Payne.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

نمادین عبارت است از ارزیابی مستقیم دنیای اجتماعی تجربی است. بر مبنای این روش‌شناسی، کشف فرآیندهای اجتماعی از طریق مواجهه مستقیم با دنیای اجتماعی و اقدام‌های زیر امکان‌پذیر است.

این اقدام‌ها شامل مشاهده و تحلیل در دنیای مورد بررسی، مشخص کردن مشکلات مرتبط، جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از طریق ارزیابی منظم و دقیق دنیای مورد بررسی، شرح دادن طبقات مشتق شده از این داده‌ها و مشخص کردن ارتباط بین طبقات، ساختن فرضیه‌های مرتبط با چنین طبقاتی، ساختن قضایای مرتبط در درون طرح و نقشه تئوریکی و آزمودن طبقات، قضایا و نظریه‌های ساخته شده توسط ارزیابی مجدد دنیای اجتماعی تجربی می‌باشد. بنابراین با توجه به این موارد ارتباط صریح گراندد تئوری و تعامل‌گرایی نمادین مشخص خواهد شد.

نکته دقیق دیگر در مورد ارتباط و پیوند بین گراندد تئوری و تعامل‌گرایی نمادین با نگاهی به اجزای پژوهش بلومر شامل کشف و بررسی مشخص خواهد شد. از دید تعامل‌گرایان، روش‌های گوناگونی برای ارزیابی دنیای اجتماعی وجود دارد که دو مرحله کشف و بررسی (بازبینی) را دربر می‌گیرد:

مرحله کشف: مرحله کشف، مرحله انعطاف‌پذیر است که توسط اصول و قواعدی هدایت می‌شود. درنهایت دست‌یابی به یک تصویر از آن‌چه را تسهیل می‌کند که در یک محدوده خاص از زندگی اجتماعی اتفاق می‌افتد. همچنین می‌تواند با استفاده از مشاهده، مصاحبه‌های غیررسمی، گوش دادن به گفتگوها، گرفتن تاریخچه زندگی، استفاده از نامه‌ها و خاطرات روزانه و بحث گروهی انجام شود. انعطاف‌پذیری این مرحله بدین معنی است که ابتدا تمرکز مطالعه وسیع است، اما با پیشرفت کار تمرکز مطالعه محدودتر می‌شود. در جزء کشف از اجزای روش‌شناسی بلومر، محقق به‌طور مداوم تصویر و درک از دنیای اجتماعی تحت مطالعه را آزمون و اصلاح می‌کند. در نهایت یک ساختار جامع و معنی‌دار از آن‌چه در دنیای اجتماعی تجربی اتفاق می‌افتد را می‌سازد. در این مرحله امکان تحقیق با دانش تجربی دست اول از حیطه تحت مطالعه فراهم می‌شود و طرح اولیه‌ای شکل می‌گیرد که محقق می‌تواند مطالعه خود را آغاز کند. بلومر مطرح نمود که کشف با دو هدف همراه است: ۱ـ دانش دست اولی از موضوع تحت مطالعه فراهم می‌کند؛ ۲ـ به‌عنوان زمینه‌ای تجربی است که لنگرگاهی را برای داده‌های پژوهش، ارتباطات تحلیلی و تفسیرها فراهم می‌کند. جزء اول کار بلومر محقق را قادر می‌سازد تا به‌طور انعطاف‌پذیر به آن‌چه که در داده‌ها اتفاق می‌افتد، پاسخ دهد. در واقع مصداق واضح نمونه‌گیری هدفمند و تئوریکی و آنالیز مقایسه‌ای مداوم است. در واقع چنین پاسخ قابل انعطافی به آن‌چه که در داده‌ها اتفاق می‌افتد، در غیاب آنالیز مقایسه‌ای مداوم و نمونه‌گیری تئوریکی غیرممکن خواهد بود. این مرحله دو عملکرد متمایز دارد: نخست این‌که به توصیف جزئی و دقیق از آن‌چه در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

موقعیت اجتماعی اتفاق می‌افتد، می‌پردازد و فرصتی را برای محقق جهت شناخت دنیای اجتماعی تجربی تحت مطالعه فراهم می‌کند. در مرحله کشف محقق موقعیت‌های خاصی را مورد مشاهده قرار می‌دهد. درک اولیه‌ای از این‌که چه چیزی در این‌جا در حال اتفاق افتادن هست، به‌دست می‌آورد. معانی مرتبط با آن را می‌سازد و مشکلات را برای پژوهش بیشتر در طی مرحله بررسی تعیین می‌نماید. دوم کسب این شناخت و درک به محقق اجازه می‌دهد که فرایند پژوهش را اصلاح نماید، مطالبی را در قالبی انعطاف‌پذیر ادامه دهد و سپس به مرحله بعدی وارد شود. مرحله کشف در ابتدا با مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها همراه است. تحلیل این داده‌ها به مرحله بررسی منتهی خواهد شد. تصویر ایجاد شده از زندگی اجتماعی در طی مرحله کشف به پایان نمی‌رسد و نیاز به ارزیابی مستقیم و دقیق از دنیای اجتماعی تجربی دارد. چنین ارزیابی مستقیمی به مرحله دیگری به نام بررسی نیازمند است.
مرحله بررسی: این مرحله نیز مانند مرحله کشف، یک روش و رویکرد ثابت نیست و شامل تحلیل داده‌ها می‌باشد. در مرحله بررسی، محقق از داده‌های جمع‌آوری شده در مرحله کشف برای تصحیح و پالایش مفاهیم و یکی کردن آن‌ها به‌شکل جمله‌ها و قضایایی در مورد رفتارهای انسان استفاده می‌کند. مرحله بررسی منجر به جداسازی اجزای مهم در دنیای مورد مطالعه، توصیف موقعیت در ارتباط با این اجزا و سپس استفاده از موقعیت درک شده برای بررسی سایر اشکال تعامل‌ها می‌شود. در مرحله بررسی، تمرکز بر پژوهش و بررسی موضوع‌های خاصّی است که در طی مرحله اول (کشف) تعیین شدند. همچنین بلومر اذعان نمود که نتایج مرحله اول، توصیف غنی از پدیده تحت مطالعه را فراهم می‌نماید که به‌عنوان اساس و بنیاد مرحله بعدی عمل می‌کند. این مرحله بعدی در واقع مرحله دوم علم طبیعت‌گرا یا بررسی می‌باشد و هدف آن تحلیل انجام شده توسط محقق برای ارزیابی دنیای اجتماعی است.

مرحله بررسی، مرحله‌ای از پژوهش طبیعت‌گرایانه است که در آن مواردی که تاکنون تعیین شدند، به‌طور جزئی‌تر و از زوایای گوناگونی مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرند. این کار برای واضح کردن و توسعه طبقات تئوریکی انجام می‌شود. در این مرحله محقق اجزای جدا از هم را در موقعیت وارد می‌کند، موقعیت را در ارتباط با آن اجزا توصیف می‌کند و مشکل را در قالب تئوریکی شکل می‌دهد. با دقت در جزء بررسی از اجزای روش‌شناسی بلومر درک می‌شود که محقق در این مرحله داده‌ها را مفهوم‌پردازی می‌کند. سپس مفهوم‌پردازی‌ها را با داده‌های موجود چک می‌کند. تأکید بلومر بر توسعه استقرایی مفاهیم ازطریق هردو فرآیند روش‌شناسی کشف و بررسی در مورد دنیای اجتماعی تجربی می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

۲-۳- کدگذاری باز

با شروع مرحله گردآوری داده‌ها (از طریق خواندن متون و اسناد و مخصوصا مصاحبه) کار کدگذاری بازر نیز آغاز می‌گردد. کدگذاری باز مراحل خرد کردن داده‌ها روند تجزیه و تحلیل است. کدگذاری باز بخشی از فرایند تحلیل داده‌هاست که به خردکردن، مقایسه‌سازی، نام گذاری، مفهوم پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها می‌پردازد. طی کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد شده و برای به دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌هایشان مورد بررسی قرار می‌گیرند. کدگذاری باز دربرگیرنده رویه‌های زیر است. در پژوهش حاضر مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم پردازی، مقوله بندی و سپس، بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص شدند. در جدول زیر کدهای باز، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های مربوط به شرایط علّی مربوط ارائه شده است.

جدول ۱: کدگذاری باز

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفهوم (شرایط علی)	کدهای باز
تمایلات سرمایه‌گذاران در صنعت بیمه با تأکید بر عوامل روانشناختی	عوامل ادراکی	عوامل موثر بر فرایند ذهنی یا روانی که گزینش و سازمان‌دهی اطلاعات حسی و نهایتا معنی‌بخشی به آن‌ها را به گونه‌ای فعال به عهده دارد. به عبارت دیگر، پدیده ادراک فرایندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی، معنی‌دار می‌شود و از این طریق انسان روابط امور و معانی اشیا را درمی‌یابد.	تازه گرایی
			نماگری
			سازگارگرایی
			اتکا و تعدیل
			ابهام گریزی
			حساب انگاری
			باورگرایی
			خطرگریزی
			کوتاه نگری
			مبهم نگری
	عوامل کنترلی	عوامل موثر بر فرایند تحت نظر قرار دادن تصمیمیات، به منظور حصول اطمینان از این	اطمینان بیش از حد
			دسترسی
			محافظه کاری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفهوم (شرایط علی)	کدهای باز
		که آن‌ها همان گونه که برنامه ریزی شده اند، انجام می پذیرند؛ و نیز اصلاح کردن انحرافات قابل ملاحظه در تصمیم-گیری	حسابداری ذهنی
			پیش‌بینی (ادراک پس از وقوع)
			ناهمانگی شناختی
			تایید و تصدیق
			ابهام گریزی
			توهم کنترل
	عوامل عاطفی	عوامل موثر بر وابستگی احساسی افراد در دوره-های مختلف	خود اسنادی
			خوش بینی
			نما گرایی
			بدبینی
			بخشش
			دگرگون گریزی
			واکنش افراطی
			رویدادگرایی
			توان پنداری
			پشیمان گریزی
	عوامل اقتصادی	عوامل متاثر بر حسابداری فکری و سود و زیان مالی افراد	رفتار گله‌ای
			بوم گرایی
			سرمایه‌گذاری لحظه‌ای
			ضرر و زیان گریزی
			تعلق خاطر
			داشته بیش نگری
			اجتناب انگاری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	مفهوم (شرایط علی)	کدهای باز
			بهینه بینی

منابع: یافته های پژوهش

۳-۳- کدگذاری محوری

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی زمینه بنیان است. هدف این مرحله برقراری رابطه بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این کدگذاری، به این دلیل محوری نامیده شده که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. در این مرحله پژوهشگر یکی از مقولات را به عنوان مقوله محوری انتخاب کرده، آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند، مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر مقولات را با آن مشخص می کند.

جدول ۲: کدگذاری محوری

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	عامل	کد	تعداد کدها
تمایلات سرمایه-گذاران در صنعت بیمه با تأکید بر عوامل روانشناختی	عوامل ادراکی A	تازه گرایی	A1	۱۰
		نماگری	A2	
		سازگارگرایی	A3	
		اتکا و تعدیل	A4	
		ابهام گریزی	A5	
		حساب انگاری	A6	
		باورگرایی	A7	
		خطرگریزی	A8	
		کوتاه نگری	A9	
		مبهم نگری	A10	

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	عامل	کد	تعداد کدها
	عوامل کنترلی B	اطمینان بیش از حد	B1	۹
		دسترسی	B2	
		محافظه کاری	B3	
		حسابداری ذهنی	B4	
		پیش‌بینی (ادراک پس از وقوع)	B5	
		ناهمانگی شناختی	B6	
		تایید و تصدیق	B7	
		ابهام گریزی	B8	
		توهم کنترل	B9	
	عوامل عاطفی C	خود اسنادی	C1	۱۰
		خوش بینی	C2	
		نما گرایی	C3	
		بدبینی	C4	
		بخشش	C5	
		دگرگون گریزی	C6	
		واکنش افراطی	C7	
		رویدادگرایی	C8	
		توان پنداری	C9	

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

مقوله اصلی	مقوله‌های فرعی	عامل	کد	تعداد کدها
		پشیمان گریزی	C10	
	عوامل اقتصادی D	رفتار گله‌ای	D1	۸
		بوم گرایی	D2	
		سرمایه‌گذاری لحظه‌ای	D3	
		ضرر و زیان گریزی	D4	
		تعلق خاطر	D5	
		داشته بیش نگری	D6	
		اجتناب انگاری	D7	
		بهینه بینی	D8	

منابع: یافته های پژوهش

۴-۳- کدگذاری انتخابی

پدیده مورد نظر، ایده و فکر محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای است که جریان کنش‌ها و واکنش‌ها به سوی آن رهنمون می‌شوند تا آن را اداره، کنترل و یا به آن پاسخ دهند. پدیده محوری با این سوال اصلی همراه است که داده‌ها به چه چیزی دلالت می‌کنند؟ مقوله محوری ایده (انگاره، تصور) یا پدیده‌ای است که اساس و محور فراگرد است. این مقوله همان عنوانی (نام یا برچسب مفهومی) است که برای چارچوب یا طرح به وجود آمده در نظر گرفته می‌شود. مقوله‌ای که به عنوان مقوله محوری انتخاب می شود باید به قدر کافی انتزاعی بوده و بتوان سایر مقولات اصلی را به آن ربط داد. استراوس (۱۹۸۷) ویژگی‌های انتخاب مقوله محوری را موارد زیر بیان می کند.

یافته‌های دیگر پژوهش این است که ارزش‌های مربوط به بعد عوامل ادراکی، عوامل اقتصادی، عوامل عاطفی و کنترلی به‌ترتیب با میانگین نمرات، ۲/۶۲، ۲/۶۱، ۲/۴۶ و ۲/۳۲ از با اهمیت‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین آنان بودند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

جدول ۳: میانگین نمرات ابعاد مختلف

درون مایه‌های اصلی	عوامل ادراکی	عوامل اقتصادی	عوامل عاطفی	عوامل کنترلی
تعداد شرکت کنندگان	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹
میانگین	۲/۵۹	۲/۶۲	۲/۳۲	۲/۵۳
نما	۲/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰
انحراف استاندارد	۰/۷۵۹	۰/۷۴۶	۰/۶۶۳	۰/۵۵۶
مینیمم	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
ماکسیمم	۳/۰۰	۳/۰۰	۳/۰۰	۳/۰۰
میانگین کل	۲/۵۰			

منابع: یافته های پژوهش

از ۱۰ مولفه عوامل ادراکی (تازه گرایی، نماگری، سازگارگرایی، اتکا و تعدیل، ابهام گریزی، حساب انگاری، باورگرایی، خطرگریزی، کوتاه نگری و مبهم نگری) با توجه به درجه اهمیت و پاسخ‌های ارسالی در جدول زیر مرتب گردیده‌اند:

جدول ۴: تفکیک نمونه برحسب عوامل ادراکی

درون مایه‌های فرعی	کم	تاحدودی	زیاد	میانگین
ابهام گریزی	۱	۵	۱۳	۲,۶۵
حساب انگاری	۲	۴	۱۳	۲,۶
باورگرایی	۳	۲	۱۳	۲,۵
خطرگریزی	۵	۱	۱۳	۲,۴۵
کوتاه نگری	۵	۴	۱۰	۲,۲۵
مبهم نگری	۶	۳	۱۰	۲,۲
تازه گرایی	۸	۲	۹	۲,۱
نماگری	۸	۳	۸	۲,۰۰
سازگارگرایی	۸	۴	۷	۱,۹۴
اتکا و تعدیل	۹	۳	۷	۱,۹۲

منابع: یافته های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

از ۸ مولفه عوامل اقتصادی (رفتار گله‌ای، بوم گرایی، سرمایه‌گذاری لحظه‌ای، ضرر و زیان گریزی، تعلق خاطر، داشته بیش نگری، اجتناب انگاری و بهینه بینی) با توجه به درجه اهمیت و پاسخ‌های ارسالی در جدول زیر مرتب گردیده‌اند:

جدول ۵: تفکیک نمونه برحسب عوامل اقتصادی

درون مایه‌های فرعی	کم	تاحدودی	زیاد	میانگین
ضرر و زیان گریزی	۱	۵	۱۳	۲,۶۵
تعلق خاطر	۲	۴	۱۳	۲,۶
داشته بیش نگری	۲	۵	۱۲	۲,۵۵
اجتناب انگاری	۳	۵	۱۱	۲,۴۵
بهینه بینی	۶	۴	۹	۲,۲
رفتار گله‌ای	۷	۳	۹	۲,۱۵
بوم گرایی	۷	۴	۸	۲,۱
سرمایه‌گذاری لحظه‌ای	۸	۵	۶	۱,۹۵

منابع: یافته های پژوهش

از ۱۰ مولفه عوامل عاطفی (اطمینان بیش از حد، دسترسی، محافظه کاری، حسابداری ذهنی، پیش‌بینی (ادراک پس از وقوع)، ناهمانگی شناختی، تایید و تصدیق، ابهام گریزی و توهم کنترل) با توجه به درجه اهمیت و پاسخ‌های ارسالی در جدول ۴-۶ مرتب گردیده‌اند:

جدول ۶: تفکیک نمونه برحسب عوامل عاطفی

درون مایه‌های فرعی	کم	تاحدودی	زیاد	میانگین
بدبینی	۰	۳	۱۶	۲,۸۵
بخشش	۱	۲	۱۶	۲,۸
دگرگون گریزی	۲	۲	۱۵	۲,۷
واکنش افراطی	۳	۱	۱۴	۲,۶۵
رویدادگرایی	۴	۲	۱۳	۲,۵
توان پنداری	۵	۱	۱۳	۲,۳۵
پشیمان گریزی	۶	۲	۱۱	۱,۸
خود اسنادی	۶	۳	۱۰	۱,۷۵
خوش بینی	۷	۲	۱۰	۱,۷۲

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

درون مایه‌های فرعی	کم	تاحدودی	زیاد	میانگین
نما گرایی	۷	۳	۹	۱,۶۵

منابع: یافته های پژوهش

از ۹ مولفه عوامل کنترلی (خود اسنادی، خوش بینی، نما گرایی، بدبینی، بخشش، دگرگون گریزی، واکنش افراطی، رویدادگرایی، توان پنداری و پشیمان گریزی) با توجه به درجه اهمیت و پاسخ‌های ارسالی در جدول زیر مرتب گردیده‌اند:

جدول ۷: تفکیک نمونه برحسب عوامل کنترلی

درون مایه‌های فرعی	کم	تاحدودی	زیاد	میانگین
محافظه کاری	۰	۴	۱۵	۲,۸
حسابداری ذهنی	۱	۴	۱۴	۲,۷
پیش‌بینی (ادراک پس از وقوع)	۲	۳	۱۴	۲,۶۵
ناهمانگی شناختی	۳	۳	۱۳	۲,۵۵
تایید و تصدیق	۴	۴	۱۱	۲,۴
ابهام گریزی	۴	۵	۱۰	۲,۳۳
توهم کنترل	۴	۶	۹	۲,۲۸
اطمینان بیش از حد	۵	۶	۸	۲,۲۲
دسترسی	۵	۷	۷	۲,۱۹

منابع: یافته های پژوهش

۴- نتیجه‌گیری

مالی رفتاری، برآیندی از دستاوردهای روانشانسی شناختی در حوزه شناخت انسان و دستاوردهای اقتصاد متعارف در حوزه شناخت پدیده های اقتصادی است. این حوزه بین رشته ای، پیش فرض های غیر واقعی اقتصاد نئوکلاسیک در مورد انسان اقتصادی را با پیش فرض های مبتنی بر دستاوردهای اخیر روانشناسی شناختی تعدیل کرده است. این دستاوردها به ویژه در خصوص خطاهای انسانی در مواجهه با پدیده ها جلوه یافته است. نکته مهم آن است که با وجود تورش ها و خطاهای حسی یا ادراکی انسان، وی قادر به انتخاب و تصمیم گیری کاملاً عقلایی و با شرایط آرمانی نیست و نخواهد بود. در نتیجه بهتر است پیش فرض های نامحدود بودن منبع عقلانیت، اراده و خودخواهی در اقتصاد مورد تجدید نظر قرار گیرند. با این تغییر بسیاری از نظریه ها و رویکردهای اقتصاد نئوکلاسیک مورد انتقاد قرار خواهند گرفت و باید در آن ها تجدید نظر صورت گیرد تا نتایج الگوها مقرون به واقعیت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

شود. به طور مثال بیزاری از دست دادن یا زیان گریزی زمانی اتفاق می افتد که سرمایه گذاران وزن بیشتری را به نگرانی از ضرر نسبت می دهند تا لذت حاصل از سود بازار. به عبارت دیگر، آنها به احتمال زیاد سعی می کنند اولویت بیشتری را به اجتناب از ضرر نسبت به سود کردن در سرمایه گذاری خود اختصاص دهند. در نتیجه، ممکن است برخی از سرمایه گذاران برای جبران زیان، خواهان بازدهی بسیار بالایی باشند و اگر بازدهی بالا محتمل نباشد، ممکن است سعی کنند به طور کلی از ضرر جلوگیری کنند، حتی اگر ریسک سرمایه گذاری از نقطه نظر منطقی قابل قبول باشد. با اعمال زیان‌گریزی برای سرمایه‌گذاری، به اصطلاح "اثر تمایل" زمانی رخ می‌دهد که سرمایه‌گذاران، سرمایه گذاری های برنده ی خود را بفروشند اما سرمایه گذاری های بازنده خود را رها نکنند. بطور کلی تفکر سرمایه گذاران این است که آنها می خواهند به سرعت سود خود را شناسایی کنند. با این حال، وقتی یک سرمایه‌گذاری در حال از دست دادن پول و سرمایه است، آن‌ها آن را حفظ می‌کنند زیرا می‌خواهند به قیمت اولیه یا سر به سر خود برگردد. سرمایه گذاران تمایل دارند به سرعت بپذیرند که در مورد یک سرمایه گذاری، زمانی که با سود همراه بوده است، درست عمل کرده اند. با این حال، سرمایه گذاران تمایلی به اعتراف به اشتباه در سرمایه گذاری ندارند (زمانی که ضرر وجود دارد). نقص در سوگیری تمایل این است که عملکرد سرمایه گذاری اغلب به قیمت سر به سر سرمایه گذار گره خورده است. به عبارت دیگر، سرمایه گذاران عملکرد سرمایه گذاری خود را بر اساس قیمت ورود خود، بدون توجه به اصول یا ویژگی های سرمایه گذاری که ممکن است تغییر کرده باشد، ارزیابی می کنند.

حسابداری ذهنی می‌تواند موجب تصور افراد کنند که سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها طبقات و یا حساب‌های مجزایی را اشغال می‌کند. اصلی‌ترین این مشکلات، قرار دادن دارایی‌های سرمایه‌گذاری شده در طبقات مجزا بر اساس نوع دارایی و بدون در نظر گرفتن همبستگی های بالقوه موجود بین سرمایه گذاری های جای گرفته در طبقات مختلف است. پذیرش حسابداری ذهنی، برای آرایش دوباره پرتفوی آثار ضمنی به دنبال دارد که در آن سرمایه گذاران ممکن است تمایل کمتری به فروش سرمایه گذاری های زیان ده به علت آن که حساب شان زیان نشان می دهد، داشته باشند. جنبه دیگری از حسابداری ذهنی مرتبط با مشاهداتی است که طی آن افراد در نگرش خویش به ریسک بین حساب های ذهنی شان حرکت می کنند. سرمایه گذاران ممکن است در حساب های محافظه کارانه خویش ریسک گریز بوده و در حساب های سفته بازانه خویش ریسک پذیر باشند. قالب بندی ثروت به حساب های ذهنی جداگانه اشکالاتی به دنبال دارد که به وسیله مارکوئیتز مورد اشاره واقع شده است، که کوواریانس بین حساب ها نادیده گرفته می شود و پرتفوی های سرمایه گذاری پایین تر از مرز کارا قرار می گیرند. این قالب بندی ممکن است به وسیله خود کنترلی ناقص سرمایه گذار

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

قابل توضیح باشد. همان گونه که به وسیله تالر و شفرین (۱۹۸۱) مطرح شده است، سرمایه گذاران در معرض وسوسه بوده و آن ها به دنبال ابزارهایی برای بهبود خود کنترلی هستند. با تفکیک سازی ذهنی منابع مالی خویش به سرمایه و منابع موجود برای هزینه نمودن سرمایه گذاران می توانند تمایل خویش به بیش مصرفی را کنترل نمایند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

منابع

۱. بدری، احمد (۱۳۸۸). دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی، انتشارات شرکت انتشارات کیهان.

۲. تلنگی، احمد (۱۳۸۳). تقابل نظریه نوین مالی و مالی رفتاری. *تحققات مالی*، ۶(۱).

۳. سعیدی، علی و باقری، سعید (۱۳۸۹). راهبرد سرمایه گذاری معکوس در بورس اوراق بهادر تهران. *تحقیقات مالی*، ۱۲(۳۰)، ۹۴-۷۵.

۴. راعی، رضا و فلاح پور، سعید (۱۳۸۳). مالیه رفتاری، رویکردی متفاوت در حوزه مالی. *تحقیقات مالی*، ۶(۲)، ۱۰۶-۷۷.

۵. عسکرزاده، غلامرضا، خلیلی عراقی، مریم، نیکومرام، هاشم و رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۳۹۶). ارزش‌گذاری رفتاری سهام با استفاده از گروه‌بندی سه‌بعدی. راهبرد مدیریت مالی، ۵(۲)، ۲۶-۱.

۶. قالیباف اصل، حسن و نادری، معصومه (۱۳۸۵). بررسی واکنش بیش از اندازه سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران نسبت به اطلاعات و اخبار منتشره در شرایط رکود و رونق. *تحقیقات مالی*، ۸(۲۱)، ۱۱۲-۹.

۷. رهنمای رودپشتی، فریدون. خوشنود مهدی(۱۳۹۳). شناسایی و رتبه بندی گروه های موثر بر تصمیم گیری سرمایه گذاران فردی و نهادی در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشگاه تهران.

۸. سعدی، رسول، قلی‌پور، آرین و قلی‌پور، فتانه (۱۳۸۹). بررسی اثرات شخصیت سرمایه گذاران و خطاهای ادراکی در سرمایه گذاری آن ها در بورس اوراق بهادار تهران. تحققات مالی، ۱۲(۲۹).

۹. دواس، دی ای (۱۳۷۶).پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی، نشرنی.

۱۰. قربانی، محمد و خلیلی عراقی، مریم. بررسی تاثیر شخصیت در ریسک‌گریزی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران.

11. Baker, H. K., Filbeck, G. & Ricciardi, V. (2018). Financial Behavior Players, Services, Products, and Markets. New York, Oxford University Press.

12. Baker, H. K., Filbeck, G., Holzhauer, H., Saadi, S. & Tiu, C. (2015). Risk Management: A Panel Discussion. *Journal of Applied Finance*, 25(1), 46–57.

13. Baker, H. K., Filbeck, G., Ahmed, P., Holzhauer, H., Preece, D. & Small, K. (2018). Private Equity: A Panel Discussion. *Journal of Applied Finance*, 25(2), 95–107.

14. Barber, B. M. & Odean, T. (2001). Boys will be Boys: Gender, Overconfidence, and Common Stock Investment. *The Quarterly Journal of Economics*, 116(1), 261–292.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

15. Bloomfield, R. (2017). Traditional Versus Behavioral Finance. In H. Kent Baker and John R. Nofsinger (eds.), Behavioral Finance Investors, Corporations, and Markets, 23–38.
16. Brennan, M. J., Cao, H.H., Strong, N. & Xu. X. (2015). The Dynamics of International Equity Market Expectations. *Journal of Financial Economics* 77:2, 257–288.
17. Choi, J. J., Laibson, D., Brigette C, M. & Metrick, A. (2004). For Better or for Worse: Default Effects and 401(k) Savings Behavior. In Perspectives on the Economicsof Aging, (ed.) David A. Wise, 81-121. Chicago: University of Chicago Press.
18. Gjergji. C. (2012). The Prevalence of the Disposition Effect in Mutual Funds' Trades. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 47(4), 795–820.
19. Cooper, A. D., Woo, C.Y. & Dunkelberg, W.C. (1988). Entrepreneurs' Perceived Chances for Success. *Journal of Business Venturing* 3(2), 97–108.
20. Kent D., D., Hirshleifer, D. & Subrahmanyam, A. (2001). Overconfidence, Arbitrage, and Equilibrium Asset Pricing. *Journal of Finance*, 56(3), 921–965.
21. Finucane, M. L. (2002). "Mad Cows, Mad Corn, & Mad Money: Applying What We Know About the Perceived Risk of Technologies to the Perceived Risk of Securities. *Journal of Psychology and Financial Markets*, 3(4), 236–243.
22. Frazzini, A. (2006). The Disposition Effect and Under-Reaction to News. *Journal of Finance* 61(4), 2017–2046.
23. Hirshleifer, D. (2008). "Psychological Bias as a Driver of Financial Regulation." *European Financial Management* 14(5), 856–874.
24. Hirshleifer, D. & Teoh, S. (2009). The psychological Attraction Approach to Accounting and Disclosure Policy. *Contemporary Accounting Research*, 26(4), 1067–1090.
25. McCarthy, Ed. (2016). Hybrid Zone: Firms are Finding Success with a Diverse Array of Quant Strategies. *CFA Institute Magazine*, 27(4), 42–44.
26. MacGregor, D.G., Slovic, P., Berry, M. & Evensky, H.R. (1999). Perception of Financial Risk: A Survey Study of Advisors and Planners. *Journal of Financial Planning*, 12(8), 68–86.
27. Malmendier, U. & Geoffrey, T. (2015). Behavioral CEOs: The Role of Managerial Overconfidence. *Journal of Economic Perspectives*, 29(4), 37–60.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

28. Olivia S., M., Mottola, G. R., Utkus, S.P. & Yamaguchi, T. (2006). The Inattentive Participant: Portfolio Trading Behavior in 401(K) Plans. *Michigan Retirement Research Center Research*,
29. Nessmith, William E., Stephen P. Utkus, and Jean A. Young. 2007. Measuring the Effectiveness of Automatic Enrollment." *Vanguard Center for Retirement Research*, Volume 31.
30. O'Connell, Paul G., and Melvyn Teo. (2009). Institutional Investors, Past Performance, and Dynamic Loss Aversion. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 44(1), 155–188.
31. Ricardi, Victor. (2019). The Financial Judgment and Decision-Making Process of Women: The Role of Negative Feelings. Third Annual Meeting of the Academy of Behavioral Finance and Economics, September.
32. Seru, Amit, Tyler Shumway, and Noah Stoffman. (2010). Learning by Trading. *Review of Financial Studies*, 23(2), 705–739.
33. Thaler, Richard H., and Cass R. Sunstein. (2009). Nudge: Improving Decisions About Health, Wealth, and Happiness. New Haven and London: Yale University Press.
34. Wang, Huijun, and Jianfeng Yu. (2014). An Empirical Assessment of Models of the Value Premium. Working Paper, SSRN.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-13]